

ده نکته درباره یک خبر- ۱

عباس عبدي

ماجرای سفر خانواده آقای قالیباف به ترکیه بازتاب خیلی گسترده‌ای داشت. آیا واقعا این خبر ارزش آن را داشت که چنین بازتابی پیدا کند؟ کدام عناصر خبری در آن واجد اهمیت بیشتری هستند؟ مقصر کیست؟ این خبر علیه چه جریانی شد؟ آیا پشت پرده ماجرای است؟ آیا به او ظلم شده است؟ آیا اصولا اینگونه خبرها برای مردم واجد اولویت هستند؟ این پرسشها و نمونه‌های دیگر را می‌توان درباره این افشاگری برشمرد و مورد بحث و گفت‌وگو قرار داد. اکنون که آب و تاب‌های این خبر خوابیده شده، بهتر می‌توان آن را تحلیل کرد و از آن درس گرفت. در این یادداشت می‌کوشم به پاسخ برخی از این پرسشها بپردازم.

۱- اولین پرسش این است که آیا اصولا اینگونه شیوه خبررسانی و افشاگری قابل قبول یا قابل دفاع است؟ اگر در جامعه اصول کلی شفافیت و پاسخگویی رعایت شود و قانون حاکم باشد، به ندرت موضوع خاصی پیش می‌آید که نیازمند افشاگری شود و در هر حوزه‌ای که رعایت نشود، افشاگری تبدیل به راهی جایگزین برای شفافیت می‌شود. البته افشاگری معطوف به صاحبان قدرت است، و الا مردم عادی که باید مصون از این دخالت‌ها باشند. در نظام‌های جدید حکمرانی، برای صاحبان قدرت این پیش‌فرض پذیرفته شده است که مردم و جامعه حق دارند نسبت به رفتارهای حتی شخصی آنان حساس باشند. ولی به نظر می‌رسد که در ایران معکوس است. از عجایب است که جزییات زندگی مسوولان رژیم سابق را منتشر می‌کنند، همزمان اعتراض دارند که چه کسی گفته اگر کسی در حکومت مسوول بود ما حق داریم در زندگی شخصی‌اش سرک بکشیم؟ معترضند که حالا چون مسوول شدند باید خطاهای‌شان را همه ببینند؟ پرسش این است؛ هنگامی که کسانی از نردبان شعاری بالا می‌روند، اگر خلاف آن ادعا در مورد خودشان ثابت شد چه باید کرد؟ آن روزی که این رفتار افشاگرانه را علیه فرزندان دیگران به کار بردند، باید فکر امروز را می‌کردند. به‌علاوه فرض کنید شیوه افشاگری غلط است، اصل ایراد را چه پاسخی می‌دهید؟

۲- آیا این مورد خاص افشاگری، اصالت دارد و معطوف به خیر عمومی است یا ناشی از اختلافات نحله‌های درون قدرت است؟

گرچه قراین حاکی از وجود رقابت میان نیروهای موجود در ساختار

قدرت است و اینگونه دسترسی‌ها به اطلاعات برای دیگران ساده نیست، ولی این مساله جدا از اصل موضوع است. فرض کنیم که کسی سرقت کرده و رقیبش او را لو می‌دهد، این اتهام سرقت مساله اصلی است و رقابت میان آنان فرعی است. در اینجا هم موضوع مورد توجه مردم اصل این رویداد است، شاید بعدا هم به بخش دوم، یعنی منبع خبر و چگونگی دسترسی آن پرداخته شود ولی نتیجه هرچه باشد نافی اهمیت این خبر نیست.

۳- اگر این افشاگری ناشی از رقابتهای درون ساختاری است، آیا صرفا علیه شخص آقای قالیباف است؟ در این مورد نمی‌توان نظر قطعی داد که آیا افشاگر قصد زدن شخص آقای قالیباف را داشته یا هدفش نشان دادن وضعیت ریای نهادینه شده در میان بخش مهمی از صاحبان قدرت است؟ هدف افشاگر هرچه بود، برداشت غالب مردم متوجه بخش غیر شخصی این رفتار بود. زیرا آقای قالیباف يك شخص نیست. او يك نماد از نوع مدیریتی است که سالها فرمانده نیروی انتظامی بوده، ۱۲ سال شهردار اصولگرایان بوده، چندین بار یکی از نامزدهای اصلی آنان برای کسب کرسی ریاست‌جمهوری بوده و بالاخره اکنون نیز رییس یکی از سه قوه یعنی مجلس است که با حمایت قاطع اصولگرایان در این مسند قرار گرفته است. در هر حال اینکه دعواها سر منافع ملت نیست شاید درست باشد ولی ملت نیز از زاویه منافع خودش با آن برخورد می‌کند.

جالب اینکه این اتفاق چیز مهمی را به تصورات عمومی اضافه نکرد، فقط مردم را قدری در تصوراتشان مطمئن‌تر کرد. برای مثال همه می‌دانستند که ادعای مطرح‌شده انتخاباتی درباره حساب‌های بانکی و ساده‌زیستی را نباید جدی گرفت، ولی این خبر معنای دیگری را بر رفتارها یا ادعاهای گذشته بار کرد. در هر حال مساله اصولا شخص آقای قالیباف نبود و نیست، چون هیچ چیز جدیدی در این افشاگری نبود. مساله اصلی نور تاباندن به رفتاری نهادینه شده در میان برخی از اصحاب قدرت است.

البته این افشاگری در زمان بسیار بدی برای آنان انجام شد. در ماه رمضان، برای يك مساله پیش پا افتاده مثل سیسمونی (گرچه تکذیب‌شده ولی علت پذیرفتنی دیگری هم برای سفر ارابه نشده ضمن اینکه بر نادرستی سفر اذعان کردند) که در محل سکونت هم می‌توان خرید، سفر هوایی در دوره بارداری و وضعیت بد قیمت‌های داخل و... همه و همه ماجرا را به شکل عجیبی مورد توجه جامعه قرار داده است. ادامه دارد

منبع: روزنامه اعتماد 27 اردیبهشت 1401 خورشیدی